

اشاره

نهج البلاغه، کتابی که آن را فروتر از کلام خدا و فراتر از سخن بشر گفته اند، دریچه ای است به فضای بی پایان «حامل علم الکتاب» [1] و قطره ای است از اقیانوس بی کناره «کلمة الله» و بحری است در برکة «شریف رضی» چراکه گزیده ای است از کلمات امیر (ع)، با ترکیبی زیبا و چینی هنرمندانه. ما شیعیان با استدلال های متین، بر این باوریم که تنها قرائت صحیح از قرآن همان قرائت اهل بیت (ع) است، و باید از در وارد خانه شد «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» [2] و از دروازه های دانش و حکمت وصی، به شهر علم و معرفت نبی پای نهاد: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا» [3] و با سفینه عترت در اقیانوس حکمت (قرآن) پیش رفت، تا به گرداب های خوارجی و کویر ناصبی و وهابی گری و سرگشتگی هرمنوتیک و رمانتیسیم گرفتار نیاییم و این همراهی و همگامی را تا قیامت حفظ کنیم؛ و نه گامی پیش بیافتیم و نه پس بمانیم؛ «فَاتَّهَمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْصِ» [4].

علی (ع) پس از رسول خدا (ص)، از معدود شخصیهایی است که مورد قبول فریقین می باشد؛ بنابراین، لازم است به گونه ای مستقل، به نگرشهای امام علی (ع) در خصوص اهل بیت (ع) پرداخت. امید است که با عنایات ربّانی و توجهات علوی، بتوانیم در ایفای این رسالت توفیق حاصل کنیم؛ ان شاء الله.

پرشکوه ترین دودمان تاریخ

با تلاوت قرآن کریم و مطالعه تاریخ اقوام و ملل با خانواده هایی آشنایی پیدا می کنیم که در ادوار زندگی بشر، تاثیر فراوانی بر جای گذاشته و در جهت شکوفایی معنوی و مادی ملّت ها نقش به سزایی داشته اند؛ نظیر آل داوود، آل عمران، زکریا و یحیی، آل ابراهیم و... ولی در میان این برگزیدگان، آل ابراهیم، و از میان ایشان، آل اسماعیل و از بین آنان بنی هاشم و از لابلای آنان، خاندان رسول خدا (ص)، (آل عبا)، دارای شکوهی خیره کننده و درخششی پرفروغ است: خاندانی که آیه تطهیر در شأن آنان نازل شده است؛ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». [5]

بیش از هفت روایت ذیل این آیه آورده شده است که اهل بیت را به خمسة طيبة تفسیر کرده اند. و بیشترین این روایات از مفسران اهل سنت وارد شده است. نیز آیات؛ «كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِينَ» [6] که به امام علی (ع) و خاندان او تفسیر شده است؛ و «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» [7]؛ و «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» [8]؛ و «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» [9]؛ «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» [10] و «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» [11] و ده ها آیه دیگر، در شان خمسة آل کساء نازل شده و روایاتی که ذیل این آیات ذکر شده فراوان بوده و از طریق شیعه و سنی نقل گردیده است.

امام علی (ع) در توصیف این خاندان پربرکت می فرماید: «عِترته خَيْرُ الْعِترَةِ اسرته خَيْرُ الْأَسَرِّ و شَجَرته خَيْرُ الشَّجَرِ: نَبَتٌ فِي حَرَمٍ وَ بَسَقَتْ فِي كَرَمٍ، لَهَا فُرُوعٌ طَوَالٌ وَ ثَمَرُهُ لَا تُنَالُ؛ [12] خاندان پیامبر (ص) بهترین خاندان و دودمان او نیکوترین دودمانند: درخت وجودش که پربرکت ترین آنهاست گرداگرد کعبه مقصود روییدند و در سرزمین شکوه و بزرگواری بالیدند، شاخه هایشان سر به فلک کشیده، و میوه هایش دست نیافتنی است.» جمله «لَهَا فُرُوعٌ طَوَالٌ وَ ثَمَرُهُ لَا تُنَالُ» دارای معنایی بس بلند و فرازمند است. شاخه های زیبای درخت نبوت همان عترت پاک اوست که از هر گونه پلیدی به کنارند و بلندای وجودشان از ملک تا ملکوت سر برکشیده و حلقه اتصال میان آن دو عالمند و واسطه فیوضات ربانی و وزرای دستگاه خلقتند. «میوه های دست نیافتنی» اهل بیت عصمت (ع)، همان حکمت ها و معارف و دانش های سرشار آنان است که انشاء... درباره آن، سخن خواهیم گفت.

امام علی (ع) در فراز دیگری می فرماید: «لَا يِقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (ص) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ... هم اساس الدین و عمادُ الیقین؛ [13] از این امت احدی را نتوان همپایه خاندان پیامبر (ص) پنداشت؛... اینان پایه دین و ستون یقین اند.» نیز می فرماید: «وَ مِمَّا سَيَدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ... وَ مِمَّا خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ [14] دو سرور جوانان بهشت از ما اهل بیتند... و بهترین زنان جهان ازماست.»

پرواضح است که دو سرور جوانان بهشت، حضرت امام حسن مجتبی (ع) و حضرت امام حسین (ع) و بهترین زنان گیتی، فاطمه زهرا (س) می باشد.

ستارگان هدایت

«أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ: إِذَا حَوِيَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛ [15] بدانید که مثل خاندان محمد (ص) بسان ستارگان سپهرند: اگر ستاره ای غروب کند، ستاره ای دیگر بدمد.»

در روزگاران دیرین هنگامی که پرده های سیاهی شب بر کرانه هایی از زمین بر می کشید، آدمیان سفر کرده برای یافتن راه های منتهی به مقصد، از ستاران کمک می گرفتند و جهت خود را با بهره گیری از موقعیت های ستارگان تعیین می کردند و بدون وجود آنان راه به بی راهه می بردند و دچار گمراهی و سرگشتگی ها و گاه طعمه راهزنان و شکار حادثه های ناگوار می شدند و به جای حرکت به سوی مقصد، فرسنگ ها از آن دور می شدند. عترت پاک نبی (ص) در مثل به ستارگان مانند که راه های هدایت را به مسافران زندگی نشان می دهند تا به گمراهی نیافتند و به مقصود خود- که سعادت و نیکبختی جاودانه باشد- در رسند. هیچ زمانی نباشد که این ستارگان در سپهر گردون ندرخشند؛ و تا رستاخیز موعود بر افق های زندگی آدمیان می تابند.

هنگامه روز، خورشید عالم تاب- که خود ستاره ای باشد - جهان را با درخشش خود روشنایی می بخشد، و پس از غروب آن در نیمکره زمین ستارگان آسمان وظیفه راهنمایی انسانها را برعهده می گیرند.

امام علی (ع) در سخنی دیگر می فرماید: «أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمَتَهُمْ، وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يَعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا؛ وَ لَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا، وَ لَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا؛ [16] به خاندان پیامبرتان بنگرید و به آن سو که می روند، بروید؛ و در پی آنان باشید، که هرگز شما را از راه هدایت بیرون نکنند، و در معرض هلاکت قرار ندهند. اگر ایستادند بایستید؛ و اگر برخاستند برخیزید؛ از آنان پیش نیافتید که گمراه می شوید؛ و از ایشان پس نمانید که هلاک می گردید.»

این سخنان گهربار ذره ای تردید در ضرورت پیروی از اهل بیت نبوت (ع) باقی نمی گذارد و حجت را برهمگان تمام می کند و راه هر گونه بهانه جویی را می بندد.

دانشوران و دین باوران اهل قبله، نظیر چنین سخنانی را به طور فراوان از پیامبر (ص) نقل کرده اند؛ مانند حدیث سفینه که می فرماید: «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُمُ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ به درستی که مثل خاندان من در میان شما بسان کشتی نوح است: هر آن که سوار شود، نجات یابد و کسی که باز ماند غرق شود» [17]

وجه شبه در این تشبیه و همانندی چنین باشد که در روزهای توفانی سهمگین و تندبادهای بنیان برافکن اعصار، تنها راه نجات یک چیز است: همان طور که در توفان تند آن روزگاران، تنها و تنها راه نجات، سوار شدن بر کشتی نوح (ع) بود، تنها راه سعادت و رستگاری این امت، پیروی از عترت پاک نبی (ص) است. ما را در اصول و فروع دین راهی جز قرآن و اهل بیت (ع) نیست، و پناه بردن به دیگران همچون پناه جستن کنعان به کوه است، تا راهی فرا راه کشتی پدرش، برای نجات خویش بیابد، که البته جز هلاکت و نابودی نتیجه دیگری در پی نداشت و نخواهد داشت.

امیر مؤمنان (ع) در فراز دیگری می فرماید: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ وَ تَسْتَمْتُمُ ذُرُوءَ الْعُلَيَّاءِ وَ بِنَا أَفْجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ؛ به راهنمایی ما از تاریک درآمیدید، و به بلندترین نقطه برتری رسیدید، و از تاریکی های جهل به سپیده دمان معرفت و هدایت گام نهادید.» [18]

همپایگان قرآن

امام علی (ع) در فرازی از سخنانش می فرماید: «پس به کجا می روید؟ و کی باز می گردید؟ که نشانه ها برپاست، و دلایل روشن و علامت ها برجاست، گمراهی تا به کجا؟ بلکه سرگشتگی تا چه؟ و حال آن که خاندان پیامبرتان در میان شماسست و آنان زمامداران حق و پرچم های دین و راست گفتارند. پس آنان را در بهترین جایگاه قرآنی که دارند بنشانید؛ و بسان شتران تشنه که به آبشخور روند به آنان روی آرید. ای مردم: از خاتم پیامبران (ص) فراگیرید بی تردید آنکه می میرد از ما، مرده نیست، و آنکه می پوسد از ما پوسیده نیست بیشتر حق در آن چیزی است که منکر آنید، و کسی را که حجتی بر او ندارید، معذور شمارید- و او منم. آیا حکم قرآن را (ثقل اکبر) در میان شما جاری نساختم، و عترت پیامبر (ص) را (ثقل اصغر) برای شما به ودیعت نسپردیم؟ رایت ایمان را در میان شما نهادم.» [19]

امام علی (ع) در این خطبه غراء، برای بارها، بی کرانه های هدایت و معرفت را، به مردمان ناباور و اسیران دنیای پر رزق و برق معرفی کرد؛ اما انگارگوش های آنان نمی شنید و دیدگان شان نمی دید و دل هایشان نمی فهمید: [20] آنچه می شنیدند، نمی شنیدند و آنچه می دیدند، نمی دیدند و آنچه باید می فهمیدند، نمی فهمیدند. عجا چه مردمانی! کسانی که همه امکانات هدایت برایشان فراهم بود و در کنارشان فریاد گر «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» [21] و مجسمه عدالت و بالاتر از هر آنچه که هست، و پایین تر از رحمان و نبی حضور داشت، ولی برای آنان، چنین شخصیتی چندان با معاویه و طلحه و زبیر فرقی نداشت. امام (ع) می فرماید: به کجا می روید؟ و در پی چه و که هستید؟ راه و راهنما در میان شماسست: وحی و عترت، قرآن و قرآن شناس. ای مردم؛ شما تشنه اید، اما برای سیراب شدن در پی سراپید، و حال آن که چشمه ساران زلال در میانتان جاری است. ای تشنه کامان کمال، به سوی آبشخور رودهای روان معرفت روی آرید. چشمه های خروشان معرفت را از آبشخوران عترت بجوید.

امیر مومنان (ع) در فرازهای دیگری از این خطبه، استراتژی هم آغوشی و همپایگی قرآن و اهل بیت (ع) را یادآور شدند. رهنمودی که نادیده گرفتنش جز گمراهی و سرگشتگی حاصل دیگری نخواهد داشت. قرآن بدون عترت، ما

را به بیغوله های نهروانی و کج فهمی های وهابی گری می کشاند، که یزید بن معاویه را امیر المومنین شناسند و شیعیان اهل بیت (ع) را مهدور الدّم بدانند و هر ستمگر و خونریزی که به زور برگرده مردم سوار شده و قوانین حیات بحش اسلام را زیر پا گذاشته و فاسق و فاجر باشد اولوالامر شناسد و اطاعت از او را واجب و قیام علیه وی را ناروا شمارند؛ [22] و قائل به جسمانی بودن پروردگار شوند و به جبری گری یا تفویض گرایند و...

حدیث ثقلین و اسناد آن

قال رسول الله (ص): «إيها الناس؛ إنا أنا بشرٌ يوشك أن أَدْعِي فَأُجِيبَهُ، و أنِّي تارك فيكم الثَّقَلَيْنِ، ما إن تَمَسَّكْتُم لَن تَضِلُّوا أبداً، وَ هُما كتابُ اللهِ وَ اهلُ بيَّتِي احْذَهما أثَقُلْ مِنَ الْآخِرِ، وَ انَّهما لَن يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدا عَلَيَّ الحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تُخَلَّفُونِي فِيهِما، فَلاتَسْبِقُوهُم فَتَهْلِكُوا، وَ لا تَعْلَمُوهُم فَإِنَّهُم اَعْلَمُ مِنْكُمْ؛ [23] رسول خدا (ص) فرمود: ای مردم، من (همانند شما) بشرم: زودا که فرا خوانده شده، و دعوت حق را لبیک گویم، و من دو چیز گرانبسنگ در میان شما و ا می گذارم، که اگر به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد، و آنها: کتاب خدا و خاندان من است، که یکی نفیس تر از دیگری است، و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند، تا در حوض بر من وارد شوند. پس بنگرید که چگونه درباره آنها ا زمن پیروی می کنید. پس هیچ گاه از آنان پیش نیفتید که هلاک می شوید، و چیزی به ایشان نیاموزید که از شما داناترند»

مرحوم شیخ قوام الدین وشنوی قمی این حدیث شریف را در رساله «حدیث الثقلین» به طور کامل و با روایات متعدد نقل کرده است. سید میرحامد حسین هندی نیز این حدیث شریف را در کتاب قیم «عِبَقَاتُ الانوار» از دین باوران و دانشوران بسیاری از اهل سنت که به دویست تن می رسد، باز گفته است که برخی از آنها عبارتند از: صحیح مسلم؛ سنن ترمذی؛ سنن وارمی؛ مسند احمد بن حنبل؛ خصائص نسایی؛ مستدرک حاکم؛ کفایه الطالب؛ طبقات ابن سعد؛ تذکرة الخواص؛ الفصول المهمة ابن صباغ؛ الكشف و البیان؛ تفسیر کبیر فخررازی؛ نیشابوری در تفسیرش؛ و الدر المنثور و... و این همه حاکی از عظمت بیکران حق و گستره مشعل هدایت و خروش چشمه ساران حیات ابدی است که از کرانه های عالم ملک تا بی کرانه های ملکوت کشیده است، و شب پرستان را یارای آن نبوده تا طلوع سپیده را بشکنند و در ژرفای تاریکی های جهل و تعصب به فراموشی سپارند: «يَريدون لِيُطْفِئُوا نُورَ اللهِ بِأَفْواهِهِم وَاللهُ مُتَمِّمٌ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». [24]

دستاوردهای راهبردی از حدیث ثقلین

همپایگی میان قرآن و عترت دستاوردهای مهمی به دنبال دارد که برخی از آنها عبارتند از: 1. اهل بیت (ع) از نظر سند و حجیت همانند قرآن است؛ یعنی هر یک از این دو اصل، دلیل و حجتی مستقل اند، و در عین حال، هیچ یک دیگری را مخالفت نمی کند؛ 2. گستره حجیت عترت، بسان قرآن، در برگیرنده همه زوایای هستی و انسان است. مانند: جهان بینی، جهان شناسی، عقاید، احکام، اخلاق، تفسیر، سیاست، اقتصاد، دنیا و آخرت، مادیات و معنویات و...؛ 3. همپایگی قرآن و عترت دلیل عصمت اهل بیت (ع) است؛ 4. عترت همانند قرآن تا رستخیز باقی خواهد ماند و تا آن روز هیچ گاه، جهان از اهل بیت خالی نخواهد بود؛ و این یکی از دلایل ضرورت وجود امام زمان (عج) و حیات ایشان تواند بود.

قراءت های مختلف از دین

امام علی (ع) در نامه ای به ابن عباس- هنگامی که او را برای گفت و گو با خوارج فرستاد، فرمود: «لا تُخَاصِمَهُم بِالْقُرْآنِ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ: تَقُولُ وَ يَقُولُونَ؛ وَلَكِنْ حَاجِجْهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصاً [25]؛ با استدلال به قرآن با آنان به جدال نپرداز؛ زیرا قرآن تاب قرائت های گوناگون دارد: تو چیزی (از آیه ای) می گویی، و خصم تو چیزی (از آیه دیگر) بلکه با سنت (پیامبر) با آنان گفت و گو کن، که ایشان را راهی جز پذیرفتن نباشد.» از این فرمایش به خوبی بر می آید که قرآن می تواند دارای معانی و تفاسیر مختلف باشد و از پذیرش چنین حقیقتی گریزی نیست.

امام (ع) در فراز دیگری می فرماید: «هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَ لَا يُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمانٍ وَ إِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرِّجَالُ؛ [26] این قرآن خطی است میان دو جلد نهفته، با زبان سخن نمی گوید و به ناچار آن را ترجمانی باید؛ و مردان به جای او سخن می گویند.» بنابراین، ترجمان اسرار قرآن و تاویل آیات فرقان برعهده قرآن شناسانی فرهیخته است که راسخان در علم باشند، و در پی فتنه جویی برنمایند؛ زیرا هنر بازگرداندن متشابهات قرآن به محکمت آن، در اختیار هر کسی نیست.

راسخان در علم کیانند؟

خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ [27] و تاویل قرآن را جز خدا و راسخان در علم نمی دانند.»

بی تردید آیات محکمت و نصوص و ظواهر قرآن برای بسیاری از مردمان قابل شناخت است، و در موارد متشابهات که دارای وجوه و قرائت های مختلفه است نیازمند بیان راسخان هستیم.

صاحب بصائر الدرجات از ابوبصیر روایت می کند که امام باقر (ع) فرمود: «ما را سخنان در علم هستیم و ما تاویل قرآن را می دانیم.» [28] و امام علی (ع) می فرماید: «و آخر قَدْ تَسَمَّى عَالِماً وَ لَيْسَ بِهِ: فَاقْتَبَسَ جَهَائِلَ مِنْ جُهَّالٍ وَ أَضَالِيلَ مِنْ ضُلَّالٍ... قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرَائِهِ وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ.. [29]؛ و دیگری که دانشمندش دانند و بهره ای از دانش نبرده؛ تر هاتی چند از نادانان به دست آورده، کتاب خدا را به رای خویش تفسیر کند، و حق را چنان که دلخواه اوست، تعبیر نماید.»

امام (ع) پس از آن که گمراهی عالم نماها را گوشزد فرمود و ناشایستگی آنان را در تفسیر قرآن بیان داشت، در ادامه فرمود: «به کجا می روید.. و سرگشتگی تا چند؟ در حالی که خاندان پیامبرتان میان شماست، که زمامداران حق و پیشوایان دینند، و راست گفتار» [30]

حدیث ثقلین نیز دلیل محکم دیگری است در هم آغوشی قرآن و عترت؛ و این که هر قرائتی از دین و هر تفسیری از قرآن، بدون بهره مندی از آبشخور آل محمد (ص) گمراهی است.

بنابراین، تنها قرائتی از قرآن پذیرفتنی است که از چشمه ساران زلال عترت سیراب شده باشد و یا با آیات دیگر قرآنی تبیین گشته باشد؛ و تنها قرائتی از دین پذیرفتنی است که از دو منبع جدایی ناپذیر قرآن و عترت از سویی و دلیل عقلی منطقی از سوی دیگر بهره مند باشد؛ زیرا برهان عقلی فیض ربّانی است. طریحی از امام علی (ع) نقل می کند؛ که فرمود: «الْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ وَ الشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ؛ [31] خرد شریعتی از درون، و شریعت عقلی است از برون.»

گنجینه های دانش، درهای حکمت

امام علی (ع) می فرماید: «وَعِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ أَبْوَابُ الْحِكْمِ وَ ضِيَاءُ الْأَمْرِ؛ [32] درهای حکمت و چراغ فروزان شریعت نزد ما اهل بیت است» نیز می فرماید «نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَ مَحَطُّ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَ يَنَابِيعُ الْحِكْمِ؛ [33] ما درخت نبوتیم، و فرود آمد رسالت، و جای رفت و آمد فرشتگان، و گنجینه های دانش، و چشمه ساران حکمت». باز می فرماید: «نَحْنُ الشُّعَارُ وَ الْأَصْحَابُ وَ الْخَزَنَةُ وَ الْأَبْوَابُ؛ وَ لَا تَوْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا، فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سَمِيَ سَارِقًا. فِيهِمْ كَرَاهِيَةُ الْقُرْآنِ، وَ هُمْ كَنُوزُ الرَّحْمَنِ؛ إِنْ نَطَقُوا صَدَقُوا وَ إِنْ صَمَتُوا لَمْ يَسْبَقُوا؛ [34] ما (اهل بیت) شعار دین و یاران، و گنجینه های (معرفت) و درهای (حکمتیم) و خانه ها را جز از درهایشان نمی توان داخل شد؛ و آن که جز از دربه خانه وارد شود، دزدش نامند. اهل بیت مصداق فرازمندترین جایگاه های قرآن و گنجینه های خدای رحمانند. اگر لب به سخن گشایند، راست گویند؛ و اگر خاموش مانند برآنان پیشی نجویند.» و می فرماید: «هُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ؛ يَخْبِرُكُمْ حِلْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ؛ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، وَ صَمْتُهُمْ عَنْ حِكْمِ مَنْطِقِهِمْ» [35] باز می فرماید: [آل النبی] «مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْتُ حُكْمِهِ وَ كَهْوُ كُتُبِهِ، وَ جِبَالُ دِينِهِ؛ بِهِمْ أَقَامَ انْحِنَاءُ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ ارْتِعَادُ فَرَائِصِهِ؛ [36] کانون راز پیامبرند و پناهنگاه رسالت اویند، و گنجوران دانش و مرجع شریعت نبوی اند، و مأمن کتاب و سنت و کوه های برافراشته دین اویند. به آنها پشت خمیده اسلام راست و پابرجاست.»

خاندان پاک پیامبر (ص) همان راسخان در علم، دانش یافتگان، [37] حاملان علم کتاب، وارثان حکمت و دانش پیامبر (ص)، و پژوهندگان کتاب های آسمانی اند. [38] چنانچه رسول خدا (ص) درباره امیرالمومنین (ع) فرموده است «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا؛ [39] من شهر دانشم و علی در آن است.»

امام علی (ع) نیز می فرماید: «رسول خدا (ص) هزار باب دانش به من آموخت که هر بابی هزار باب دیگر می گشاید. و مجموعاً می شود هزارهزار باب، تا این که هرچه بوده و هر آنچه تا روز قیامت خواهد بود، آگاه شدم و مرگ ها و بلاها و فصل الخطاب را (سخن حقی که فیصله بخش هر اختلافی باشد) فرا گرفتم» [40]

پیامبر (ص) امام محمد باقر (ع) را باقرالعلوم، گشاینده دریچه های دانش و شکافنده درهای حکمت نام نهاده است. [41]

تمامی کسانی که در علوم مختلف حرفی برای گفتن داشتند و مکتب های گوناگون کلامی، فقهی، حقوقی، عقلی و تجربی و نقلی و... را بنیان نهادند، نیز با واسطه یا بی واسطه از شاگردان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بودند. جابر بن حیان، پدر علم شیمی، در دانشگاه امام صادق (ع) دانش آموخت؛ حسن بصری، مؤسس مکتب کلامی اشاعره؛ واصل بن عطاء مؤسس مکتب کلامی معتزله؛ ابوحنیفه، بنیانگذار مکتب فقهی حنفی؛ مالک، بنیانگذار مکتب فقهی مالکی، از شاگردان دانشگاه جعفری بوده اند. احمد بن حنبل و امام محمد ادریس شافعی بنیانگذاران مکتب های فقهی حنبلی و شافعی نیز از شاگردان با واسطه امام صادق (ع) به شمار می آیند؛ و این نیست جز آن که پیامبر (ص) درباره اهل بیت فرموده است: «لَا تَعْلَمُوهُمْ فَاتَّهَمُوا أَعْلَمَ مِنْكُمْ؛ به آنان چیزی نیاموزید، که از شما داناترند» [42]

ولایت داران شایسته

امام علی (ع) می فرماید: «هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ.. وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ، وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوَارِثَةُ؛ [43] اهل بیت پایه دین اند... و حق ولایت و زمامداری ویژه آنان است، و میراث پیامبر (ص) مخصوص ایشان است.» سپس می فرماید: «اکنون حق ولایت به شایستگان آن رسید، و به جایگاه به حق خویش بازگشت» بی شک، حق

ولایت، براساس دلایل فراوان از کتاب و روایات نبوی، ویژه اهل بیت پیامبر (ص) است. دلایل متین و مستحکم ما در اثبات ولایت بلافصل امام علی و ائمه اطهار (ع) در آثاری گرانسنگ چون: الغدير علامه امینی؛ عباقات الانوار، سید میرحامد حسین هندی؛ المراجعات، علامه شرف الدین موسوی؛ المیزان، علامه طباطبایی و... نگاشته شده است.

امام علی (ع) از نگاه علی (ع)

یکی از کارآمدترین شیوه های راهیابی به بی کرانه های شخصیت بی بدیل امام علی (ع) گفته ها و نوشته های آن حضرت، در شناساندن گوهر نهفته خویش است. گرچه سخن از علی (ع) عین ذکر خداست، با این تفاوت که او خدا نیست، بلکه فانی مطلق در او و آینه تمام نمای حق سبحانه است؛ در عین حال، برای امام (ع) بسیار دشوار می نموده است که درباره خودسخنی بگوید. در پایان؛ لازم است به برخی از فرازهای نهج البلاغه، درباره امام (ع) پردازیم، تا قطره ای از معارف وجود ایشان، و شبنمی از لطافت روح بزرگش را دریابیم، و خویشتن را به عطر ذکر او معطر سازیم. چراغ شب شکن کاروان بزرگ انسانیت: امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي الظُّلْمَةِ، يَسْتَضِيءُ بِهِ مَنْ وَلَجَهَا؛ [44] همانا مثل من در میان شما، بسان چراغی ماند در تاریکی، آن که به تاریکی پای نهد، از آن چراغ روشنایی گیرد.»

سیمرغ بلند آشیان: و می فرماید: «لَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ؛ [45] مرغان {کمال جو} از رسیدن به آشیانه ام ناتوانند» چشمه سار خروشان معرفت: «يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ؛ کوه بلند را مانم که سیلاب {حکمت و معرفت} از ستیغ من خروشان است»

محور دین: «أَمَّا وَاللَّهِ؛ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فَلَانٌ وَ أَنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى؛ هَانُ بِهِ خُدا سَوَّگَنْد! فلانی جامه خلافت را برتن کرد، در حالی که می دانست خلافت جز مرا شایسته نیست و آن برگرد وجود من به گردش درآید» [46]

دریای دانش و بینش دانای آشکار و نهان: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأُنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ، قَبْلَ أَنْ تَشْغُرَ بِرَجُلِهَا فَتَنَّةٌ تَطَّأُ فِي خِطَامِهَا، وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا؛ از من بپرسید، پیش از آن که مرا در بین خود نیابید که من به راه های آسمان آشناتر از راه های زمینم، پیش از آن که فتنه ای پدید آید، که همچون شتر بی صاحب گام بردارد و مهار خود را پایمال کند و مردمان را بکوبد و بیازارد، و عقل خردمندان را ببرد.» [47] شیر بیشه حق: «أَلَا وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبَغْيِ وَ النِّكَثِ وَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ، فَأَمَّا النَّاكِثُونَ فَقَدْ قَاتَلْتُ وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَقَدْ جَاهَدْتُ وَ أَمَّا الْمَارِقَةُ فَقَدْ دَوَّخْتُ.. وَ بَقِيتُ بَقِيَّةً مِنْ أَهْلِ الْبَغْيِ؛ وَ لَئِنْ أَذِنَ اللَّهُ فِي الْكَرِّهِ عَلَيْهِمْ لَأُذِلَّ مِنْهُمْ... أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بِكُلَّالِ الْعَرَبِ وَ كَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونٍ رَبِيعَةً وَ مُصْرَ؛ [48] بدانید که خدا مرا فرموده است با تجاوزکاران و پیمان شکنان و تبهکاران زمین پیکار کنم؛ اما با پیمان شکنان (ناکثین) جنگیدیم، و با حق ستیزان (قاسطین) نبردیدم، و از دین برون شدگان (مارقین) را زبون ساختم. و گروهی از تجاوزگران مانده اند، و اگر خدا مرا رخصت دهد برایشان هجوم آورم و آنان را براندازم... من در نوجوانی بزرگان عرب را به خاک انداختم و سرکردگان ربیعه و مضر را هلاک ساختم.

سوتیترها

ضرورت پرداختن به چنین موضوعی از آنجا احساس می شود که امروزه مساله جنجالی «قرائت های مختلف از دین» و حقانیت همه آنها، و در نتیجه «پلورالیسم دینی»، تیشه بر ریشه طایفه ایمان زده و به تضعیف باورهای مذهبی نوباوگان اهل قبله پرداخته است.

همپایگی میان قرآن و عترت دستاوردهای مهمی به دنبال دارد که برخی از آنها عبارتند از: 1. اهل بیت (ع) از نظر سند و حجیت همانند قرآن است؛ یعنی هر یک از این دو اصل، دلیل و حجتی مستقل اند، و در عین حال، هیچ یک دیگری را مخالفت نمی کند؛ 2. گستره حجیت عترت، بسان قرآن، در برگیرنده همه زوایای هستی و انسان است. مانند: جهان بینی، جهان شناسی، عقاید، احکام، اخلاق، تفسیر، سیاست، اقتصاد، دنیا و آخرت، مادیات و معنویات و...؛ 3. همپایگی قرآن و عترت دلیل عصمت اهل بیت (ع) است؛ 4. عترت همانند قرآن تا رستاخیز باقی خواهد ماند و تا آن روز هیچ گاه، جهان از اهل بیت خالی نخواهد بود؛ و این یکی از دلایل ضرورت وجود امام زمان (عج) و حیات ایشان تواند بود.

امام علی (ع) می فرماید: کانون راز پیامبرند و پناهنگاه رسالت اویند، و گنجوران دانش و مرجع شریعت نبوی اند، و مأمن کتاب و سنت و کوه های برافراشته دین اویند. به آنها پشت خمیده اسلام راست و پابرجاست.»
خاندان پاک پیامبر (ص) همان راسخان در علم، دانش یافتگان، حاملان علم کتاب، وارثان حکمت و دانش پیامبر (ص)، و پژوهندگان کتاب های آسمانی اند. چنانچه رسول خدا (ص) درباره امیرالمومنین (ع) فرموده است «انا مدینه العلم و علی بابها؛ من شهر دانشم و علی در آن است.»

جابر بن حیان، پدر علم شیمی، در دانشگاه امام صادق (ع) دانش آموخت؛ حسن بصری، مؤسس مکتب کلامی اشاعره؛ واصل بن عطاء مؤسس مکتب کلامی معتزله؛ ابوحنیفه، بنیانگذار مکتب فقهی حنفی؛ مالک، بنیانگذار مکتب فقهی مالکی، از شاگردان دانشگاه جعفری بوده اند. احمد بن حنبل و امام محمد ادریس شافعی بنیانگذاران مکتب های فقهی حنبلی و شافعی نیز از شاگردان با واسطه امام صادق (ع) به شمار می آیند؛ و این نیست جز آن که پیامبر (ص) درباره اهل بیت فرموده است: «لا تعلّموهم فانّهم أعلم منکم؛ به آنان چیزی نیاموزید، که از شما داناترند»

امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاحِ فِي الظُّلْمَةِ، يَسْتَضِيءُ بِهِ مَنْ وَلَجَهَا؛ همانا مثل من در میان شما، بسان چراغی ماند در تاریکی، آن که به تاریکی پای نهد، از آن چراغ روشنایی گیرد.»

پی نوشت ها :

*. استاد مدعو و معاون دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

[1]. «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، رعد/ 43 براساس روایت فراوان، دارنده علم الکتاب، امام علی (ع) است؛

بحارالانوار، ج 35، ص 429، ح 1.

[2]. بقره/ 189.

[3]. بحارالانوار، ج 24، ص 107.

[4]. همان، ج 21، ص 387.

[5]. «همانا خداوند می خواهد که از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را به بهترین وجه پاکیزه بدارد»؛

احزاب/ 33.

- [6] . «با راستگويان باشيد»؛ توبه/119.
- [7] . «بگو برای آن کار (رسالت) از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی نزدیکانم»؛ شوري/23.
- [8] . «و غذای خود را با وجود دوست داشتنش به بینوا و یتیم و اسیر اطعام کنند»؛ انسان/8.
- [9] . «از خدا و پیامبر و صاحبان امر از میان خودتان اطاعت کنید»؛ نساء/ 59.
- [10] . نحل/ 43.
- [11] . «پس بگو: بیاید فرزندانمان و فرزندانان و زنانمان و زنانان و خودمان و خودتان را فرا بخوانیم آنگاه دست نیایش برداریم، و لعنت خدا را بر درغگويان بخوانیم»؛ آل عمران/ 61.
- [12] . نهج البلاغه، خطبه 24، عظة الناس.
- [13] . همان، خطبه 2.
- [14] . همان، نامه 28.
- [15] . همان ، خطبه 100.
- [16] . همان، خطبه 97.
- [17] . بحارالانوار، ج 23، ص 155.
- [18] . نهج البلاغه، خطبه 4.
- [19] . همان، خطبه 87.
- [20] . «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا»، اعراف/179.
- [21] . از من بپرسید، پیش از آن که مرا نیابید، نهج البلاغه، خطبه 189،
- [22] . قاضی بدرالدین در «تحریر الاحکام» قاضی ابوبکر در التمهید ماوردی در الاحکام السلطانیة و بسیاری دیگر.
- [23] . قوام الدین الوشنوی، حدیث الثقلین
- [24] . «می خواهند نور الهی را با سخنان خویش خاموش کنند، حال آن که خداوند کمال بخش نور خویش است گرچه کافران را خوش نیاید» صف/ 8.
- [25] . نهج البلاغه/ نامه 77.
- [26] . نهج البلاغه/ خطبه 125.
- [27] . آل عمران/ 7
- [28] . محمد بن الحسن الصفار، بصائر الدرجات، تصحیح کوچه باغی تبریزی، ص 204.
- [29] . الشریف الرضی، نهج البلاغه تصحیح صبحی الصالح خطبه 878، 140.
- [30] . همان.
- [31] . طریحی، مجمع البحرين، ج.
- [32] . نهج البلاغه، خطبه 12.
- [33] . همان، خطبه 109.
- [34] . همان، خطبه 154.
- [35] . همان، خطبه 239.
- [36] . همان، خطبه 2.
- [37] . عنکبوت/ 49.

- [38] . انبياء/7.
- [39] . حاكم نيشابورى، مستدرک الصحيحين ، ج 3، ص 326.
- [40] . ينابيع الموده، ص 88، كلينى، اصول كافى ج1، ص 296.
- [41] . محمدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 46، ص 226.
- [42] . قوام الدين الوشنوى، حديث الثقلين، ص 13.
- [43] . الشريف الرضى، نهج البلاغه تصحيح صبحى الصالح خطبه2، ص 25
- [44] . همان، خطبه187.
- [45] . همان، خطبه 3.
- [46] . همان.
- [47] . همان، خطبه189.
- [48] . همان، خطبه192.